

نوشته شما کجای حقیقت است دوست عزیز؟

(در حاشیه نوشته ایرج فرزند در نقد سخنان رفیق ابراهیم علیزاده)

چندی پیش رفیق ابراهیم علیزاده طی جلسه ای، ارزیابی داشتند از حزب کمونیست موقعیت فعلی دورنمای آینده. این جلسه در اردوگاه مرکزی کومله با شرکت جمعی از اعضاء برگزار شد. که بعداً از طریق تلویزیون کومله پخش شد. در پایان جلسه هم به قسمتی از سوالات رفقا پیارمون همین بحث جواب دادند. پیداست که وقتی از حزب سیاسی و زنده و فعال در عرصه مبارزات ارزیابی میشود تنها به نقاط مثبت اشاره نمیتوان کرد باید به همه کم و کاستها اشتباهات و نقاط ضعف گذشته انگشت گذاشت تا راه هموارتر و بتوان سیاستها و استراتژی آینده را کم نقص تر و بهتر پیش برد، که در این ارزیابی رفیق ابراهیم کم نگذاشت. با این حال من انتظار داشتم بعد از این ارزیابی از رسانه های مختلف از جانب مخالف و موافق نقدهایی هم بر سخنان رفیق ابراهیم ببینم یا اگر ارزیابی رفیق ناکافی بوده از جانب دیگر دلسوزان حزب تکمیل شود. در این راستا من تنها نوشته ایرج فرزند را دیدم که خود زمانی عضو این حزب بود اما بعدها در سال ۱۹۹۱ به همراه جریان کمونیسم کارگاری به رهبری منصور حکمت از حزب کمونیست ایران انشعاب کردند.

من در اینجا به چرای انشعاب و دلایل آن کاری ندارم چونکه در این رابطه نوشته های زیادی در باب پشتیبانی و مخالفت موجودند و من تکرار سخن نمیکنم. فقط کوتاه در این مورد نظر خود را میگویم شاید کمک کوچکی به ادامه بحثم بکنم. انشعاب در دل شرایط و تحولات سیاسی عمیق در منطقه شکل گرفت نداشتن استراتژی و تاکتیک مشخص برای ادامه مبارزه در چنین شرایطی از جانب رهبری کمونیسم کارگری و شانه خالی کردن از مقاومت در برابر وضع جدید، عرصه را بر آنها تنگ کرد و به کشف سیاستها و تزه های جدیدی روی آوردند که بعدها در قالب کمونیسم کارگری نمایان شد. حال بعد از گشت چند سال همه متوجه شدند که این سیاستها نه از سر دلسوزی برای طبقه کارگر بلکه در نبود الترنتیوی در رو به رو شدن با این شرایط جدید بود و همه انقادات و تحلیلهايشان تنها توجیه این بوده است.

چون بعد از سالها همه دیدند که این کمونیسم کارگری واقعا' چقدر به این طبقه ربط داشت. بعدها هر وقت بحثی یا ارزیابی در رابطه با حزب کمونیست و کومله پیش میاد این جریان خود را صاحب این تاریخ و رهبرشان را طراح همه سیاستهای حزب قلمداد میکنند. جالب اینجاست توقع دارند بمانند خود هر کس در این باب سخنی به میان آورد با نام حکمت شروع و با نام او ختم شود. نقد سخنان رفیق ابراهیم از جانب ایرج - فرزند هم بر همین منوال استوار است. البته به همین بهانه اتهامهای تکراری منصور حکمت علیه حزب کمونیست ایران و کومله را ضمیمه کرده تا بر سطور نقدهای خود بیفزاید.

البته تنها چیزی که من را واداربا جواب دادن به این نوشته کرد ۲ چیز تازه بود که در نوشته ایرج فرزند دیدم. یکی آنکه گویا در این اواخر رفیق ابراهیم تعدادی از کاستها و نوشته های آقای حکمت

را در اختیار آنها گذاشته و این مدارک را آقایان ایرج و همفکرانش تدوین کردند و در اختیار عموم قرار دادند و این میتواند سندی باشد دال بر اینکه چقدر منصور حکمت و همفکرانش در تاسیس و پاکداشتن حزب کمونیست ایران تاثیر داشتند و دوم اینکه مخاطبین این سخنان جوانانی بودند که از تاریخ حزب اطلاع کافی نداشتند و رفیق ابراهیم تاریخ را خلاف آنچه هست در اختیار آنها قرار داده است و آنها میتوانند با مراجعه به اسنادی که رفیق ابراهیم در اختیار آنها گذاشته و واقعیات را ببینند. اولاً در اختیار قرار دادن نوارهای کاست و نوشته های مربوط به منصور حکمت از جانب رفیق - ابراهیم علیزاده به شما از نظر من کاری رفیقانه و مسولانه بوده ضمناً" به درخواست شماها جواب مثبت داده و رهبری حزب خلاف آنچه شما تصور میکنید ابایی از دست رسی اعضای خود به این مدارک ندارد چونکه اگر شما به خودتان کمی زحمت بدهید بیشتر اسناد مربوط به کونگره های کومله و حزب کمونیست، مخصوصاً کنگره مؤسس حزب در وب سایت خود حزب کمونیست بصورت صوتی و نوشتاری موجود میباشد. و اگر شما فکر میکنید که رفیق ابراهیم با دادن این اسناد به شما در واقع سندی را به شما داده و شما دارید زرنگی به خرج میدید و این اسناد را بر ضد گفته های خود او بکار میگیرید، که سخت در اشتباهی . گذشته از این به پشتوانه رشد و پیشرفت ارتباطات و مخصوصاً اینترنت مردم در داخل و خارج از همه سیاستها و عملکردهای ریز و درشت احزاب و شخصیتهای سیاسی با خبرند و خوب و بد را به خوبی از هم تشخیص میدهند و آن جوانان پر شور و انقلابی که مخاطبین سخنان رفیق ابراهیم هستند از این قاعده مستثنی نیستند. آنها به اینترنت دسترسی دارند و میتوانند نه تنها به آرشیو منصور حکمت بلکه همه بحثهای گوناگون دیگر را تعقیب کنند.

آقای فرزند مخاطبین رفیق علیزاده را جوانانی قلمداد کرد که از آن تاریخ پر افتخار که آقایان حکمت و فرزند آنها ساختند و بقیه فقط تماشاچی بودند و هورا کشیدند بی خبرند. اولاً هماتطور که آقای فرزند همه می دانند مخاطبین تنها این جوانان نبودند بلکه این مصاحبه در کومله TV پخش شد و همه آنها دیدند پس این سخنان گفتن واقعیاتی بود برای همه نه صرفاً چند کس.

من خود به عنوان یکی از مخاطبین جوانی که متأسفانه جزء آن دسته از جوانان پر شور و انقلابی صفوف پیشمرگ نیستم اما از طریق کومله TV به این سخنان گوش دادم، بر خلاف نظر شما فکر میکنم. قبل از هر چیز لازم است بدانید که همه این جوانان که امروز در ارگانهای مختلف کومله و حزب فعال هستند بر همه تاریخ حزب کمونیست طوری آگاهی دارند گویی که خود در آن حضور داشتند، بر همه کارهای شما که در گذشته انجام دادید آگاهی کامل دارند و اطمینان میدهم که منصور حکمت و حزب کمونیست کارگری و شماها و تاریختون را شاید بهتر از خود شما بشناسند.

شما همیشه کومله را متهم به سیاست مامشات و سازش در مقابل احزاب ناسیو نالیست و گرفتن سیاست سکوت در مقابل قلع و قمع دختران و زنان از جانب سیستم ارتجاع و عقب مانده منطقه میکنید

گویا کومله در این باب لب باز نکرده.

قبل از اینکه توضیحی در این رابطه بدم و غیر واقعی بودن این اتهام را ثابت کنم. چند سوال از آقای فرزاد و همفکرانش دارم.. اولاً " شماها که عرصه را خالی کردید و از جبهه واقعی فرار کردین چه گلی بر سر این مردم زجر کشیده زدید که کومله به خاطر دوستی با احزاب ناسیونالیست نکرده باشه؟ آیا اگر کومله مثل شما عرصه را خالی میکرد با شما راه میافتاد حالا اوضاع تغییر کرده بود؟ آیا اگر شما گفتید و نوشتید و داد زدید و فوش دادید. به این حزب و آن حزب اهانت کردی و رهبران احزاب مختلف را مسخره کردید، آیا ناسیونالیسم ضعیف شد؟ ترسید؟ خودش را کشید کنار؟ سرنوشت زنان تغییر کرده؟ آیا اگر شما به رهبری منصور حکمت سیاست درست و کمونیستی را انتخاب کردید بفرمایید بعد از ۱۶ سال از انشعاب کو آن حزب کارگريتون؟ لطف کنید دستاوردهای این شاهکار را در اختیار همه قرار بدهید. آیا این بود مبارزه برای آزادی و برابری؟ آیا اگر آن وقتها شماها عرصه را خالی نمیکردید حالا جایگاه این حزب و حتی موقعیت خود شماها کجا قرار داشت؟ ناسیونالیسم تا این حد نفوذ و اعتبار پیدا میکرد؟ نه رفیق، شما با رفتن خود نه تنها گلی به سر جنبش سوسیالیستی نزدید با بلکه خالی کردن عرصه تنها فضای بیشتر را در اختیار ناسیونالیسم و ارتجاع قرار دادید. و حالا این اتهامات نجسپ به کومله را به زور میخواهی به کومله بچسپانی که باز هم حقانیت بدهید به خودتان و پرده پوشی کنید بر سیاست و پروژه غلط و شکست خورده خودتان.

حزب کمونیست و کومله که هر روز زیر تیغ انتقادات شما هست نه اینکه با ناسیونالیسم و سیستم عقب افتاده و ارتجاعی مماشات نکرده و در مقابل انواع کشتار و قتلهای ناموسی ساکت ننشسته است، بلکه با در پیش گرفتن سیاست درست و اصولی دارد با همه اینها مبارزه میکند. شما هم خوب بر این مسائل واقفید اما این نوع مبارزه اصولی را رهبرتان از ذهنتان خارج کرد و نمیخواهی بدان اعتراف کنید. این اردوگاه و مقری که شما به عنوان ناسیونالیست ،،، ازش نام میبرید به مدرسه ای برای آموزش مارکسیسم انقلابی تبدیل شده و هر روز دهها جوان در چنین کلاسهایی حضور دارند و در جهت مبارزه برای آزادی و برابری آموزش میبینند. از طریق همین مقراتی که شما جا گذاشتید بجز رادیوهایی که رو ایران کار میکنند رادیو fm روزانه چند ساعت رو به کردستان عراق برای دنیایی عاری از ستم و بردگی و دنیایی آزاد و برابری همان جامعه سوسیالیستی تبلیغ میکند. هنگام حمله نظامی آمریکا به عراق تنها جریان کمونیستی در داخل عراق و زیر سلطه همین ناسیونالیسم صدای اعتراض بلند کرد و تنها صدای مخالف در مقابل همه موافقین جنگ بود. آره دوست عزیز بعد از انشعاب و رفتن شما و از آن زمان تا حال هزاران نفر در داخل همین مقرات کومله با مارکسیسم آشنا شدند.. که حالا اکثر آنها یا در ایران یا در اقصی نقاط جهان مشغول به زندگی هستند و یکی از پشتوانه ها و قدرت همین حزب از آنهاست. ما با اتخاذ کردن سیاستی درست و اصولی ۱۶ مرداد را ساختیم. وو.....

ضمناً من از آقای فرزاد تقاضا دارم برای کومله دایه مهربانتر از مادر نشوند و از اسم کومله در مقابل

سازمان زحمتکشان دفاع نکند. این سیاست و عملکرد کومله و توده ای بودن کومله است که این جریان را در مقابل همه این پرژه ها و دشمنیها سر پا نگه میدارد. شما اگر ممکن است برای مردم روشن کنید که کی پیرو خط و مشی منصور حکمت است؟ این حزب کمونیست کارگری که ادعاش میکردی کجاست؟ قرار بود کونگره ۳ ایران باشید. در پایان بهتر است برای شما و همه کسانی که مثل شما فکر میکنند روشن کنم که حزب کمونیست و کومله و افتخارات آینده اش متعلق به همه کسانی است که تا امروز این حزب را نگه داشته اند. جابجاختگان عزیز و خانواده هایشان، رهبری که تا حال این جریان را نگه داشته، این جوانان و همه کسانی که اکنون برای این حزب از همه چیز مایه میگذارند تا سیاستهای حزب را پیش ببرند. این حزب مال نسلهای آینده همه ستمدیدگان و کارگران و زحمتکشان است. مال آنهاست که در هر شرایط و در زمان حزب را تنها نمیگذارند. زنان و مردان آزادی خواه و برابری طلب امروز پشت رهبری قرار میگیرند که با کمال صداقت این حزب را در تمام -- ناملایمات سر پا نگه داشت و تا امروز هم امید و آرزوی هزاران انسان رنجدیده و مصیبت کشیده هست. این درست که شما و منصور حکمت جزء موسسین حزب بودید، اما فراموش نکنید که شماها هم زمانی خواستید که این حزب را از بین ببرید. تا حالا هم در صف دشمنان حزب از هیچ کوششی در راه تضعیف این جریان دریغ نکردید. به نظر من حزب کمونیست ایران ۲ بار متولد شد، ۱ بار سال ۶۲ و به کمک شما و ۱ بار سال ۹۱ وقتی شما خواستید آن را از بین ببرید و این سال هم سال دوباره تولدش است...

آکو انوری .. ۲۰۰۷/۱۱/۲۷